

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۲/۰۸

سیاست گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک

کریم مهری^{۱*}

بهجت یزدخواستی^۲

محمدحسین پناهی^۳

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناختی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. استاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

سیاست گذاری قومی از مباحث مهم سیاسی-اجتماعی سخنان مقام معظم رهبری است به رغم بحث‌ها و گفتگوهای فراوانی که در این زمینه میان مدیران و رهبران جامعه ما صورت گرفته است اما هنوز این مفهوم و مصادیق آن در قالب یک الگوی علمی و مدون ارائه نشده است حال آنکه حدود پنج دهه از مطرح شدن و عملیاتی شدن سیاست گذاری قومی در غرب می گذرد. این تحقیق به منظور پر کردن خلا علمی در کشور و با الگو قرار دادن سخنان مقام معظم رهبری به بررسی اندیشه‌های آن شخصیت در زمینه سیاست گذاری قومی پرداخته است. هدف از این تحقیق بررسی سؤال اساسی چیستی، چرایی و چگونگی سیاست گذاری قومی و ارایه یک الگوی جامع در این زمینه است. در این تحقیق که یک پژوهش بنیادی از نوع توصیفی - اکتشافی است. برای بررسی الگوی سیاست گذاری قومی از دیدگاه مقام معظم رهبری از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. برای گردآوری و شناسایی مضامین مرتبط با سیاست گذاری قومی نخست مبانی نظری و دیدگاه‌های مختلف صاحب نظران غربی طی سال‌های اخیر بررسی شده است سپس با بررسی و مطالعه سخنان مقام معظم رهبری مضمون‌های مرتبط، استخراج و کدگذاری گردیده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد این الگو دارای سه مضمون غالب چیستی، چرایی و چگونگی است. روابط میان این مضمون‌ها نیز در قالب یک الگو کلی ارایه شده‌اند.

واژگان کلیدی: سیاست گذاری قومی، مقام رهبری، تحلیل مضمون.

وجود تنوعات و تفاوت اجتماعی در ایران، ضرورت سیاست قومی^۲ و مدیریت سیاسی خردمندانه و منطقی را بیش از پیش ایجاب می‌کند و جمهوری اسلامی ایران با تأکید و تکیه بر آموزه‌ها و ارزش‌های و الای فرهنگی اسلام و میراث تاریخی درخشان مشترک و احترام به اقوام، مذاهب و ادیان الهی و تأکید بر قانون اساسی که مشحون از آموزه‌های ارزشمند مبنی بر تأکید بر برادری و برابری انسان‌ها و احترام به حقوق اقلیت‌های مذهبی و دینی است، برخی زمینه‌های ذهنی ارتقای رضایتمندی شهروندان را در استان‌های مختلف کشور مبتنی بر همزیستی برادرانه و صمیمی اقوام و پیروان مذاهب و ادیان گوناگون فراهم آورده است و این در شرایطی است که برخی متغیرهای سیاسی، داخلی و خارجی اثرگذار در این زمینه و نیز اثربسیاست‌های دوران شاه پهلوی، همواره مانع از مدیریت مطلوب مسائل قومی در کشور شده است. نظر به اهمیت این موضوع در امنیت کشور، رهبر معظم انقلاب در طول تصدی گریشان در امر رهبری، با افراد و گروه‌های متخلف مردمی صحبت داشته‌اند و رهنمودهایی ارائه نموده‌اند. لذا مسئله اساسی این مقاله تحلیل تماتیک سخنان رهبری انقلاب در خصوص قومیت‌ها است تا به الگوی سیاست قومی، چگونگی اعمال سیاست قومی و چستی راهبردهای مستخرج از بیانات مقام معظم رهبری مدظله العالی در حوزه سیاست قومی دست یابد. از این رو بجاست تحقیق در این خصوص بر اساس اصول علمی شکل بگیرد و با الگوسازی رهنمودهای ایشان به عنوان راهنما و نقشه راه آینده در اختیار نهادهای تصمیم‌گیری کشور قرار بگیرد.

۱. چارچوب مفهومی

۱-۱. قوم/ قومیت

ماکس وبر معتقد است که گروه‌های قومی، گروه‌های انسانی دارای باوری ذهنی به اجداد مشترک هستند. باوری که دلیل آن می‌تواند شباهت‌های فیزیکی، شباهت در رسوم، حافظه و خاطرات مشترکی باشد که با یکدیگر در کوچ و سکونت داشته‌اند. فردریک بارث نیز درباره قوم چنین می‌گوید: واژه گروه قومی در ادبیات انسان‌شناسی معمولاً به جمعیتی اطلاق می‌شود که دارای خودمختاری زیادی در باز تولید زیستی خود باشد، ارزش‌های فرهنگی بنیادین مشترکی داشته باشد که درون اشکال فرهنگی با وحدت آشکاری گردهم آمده باشند و یک میدان ارتباطی و کنش متقابل بسازند، دارای یک

احساس تعلق به یک واقعیت بیرونی باشند که آن‌ها را از دیگران تفکیک کند (برتون، ۱۳۸۰؛ ۲۳۵).

الر [Eller] قومیت را فرایندی اجتماعی و روان‌شناختی می‌داند که به واسطه آن افراد با یک گروه و برخی از جنبه‌های فرهنگ آن گروه ارتباط می‌یابد و از این حیث عبارت است از آگاهی از تفاوت، برجستگی ذهنی آن تفاوت و همچنین بسیج شدن براساس آن تفاوت (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۶۰). در تعریف فوق بسیج شدن بر اساس تفاوت‌ها شاخصه مهم قومیت لحاظ شده است اهمیت بسیج قومی آنقدر زیاد است که برخی از اندیشمندان در تعریف قومیت، قابلیت بسیج شدن را شاخصه مهم قومیت میدانند در واقع سیاستگذاری قومیت‌ها در تمامی سیاست‌های جوامع چند قومی بعد از جنگ جهانی اهمیت ویژه یافته است. حتی می‌توان گفت علت بیشتر خشونت‌های سطح ملی در سه دهه اخیر منبع بیرونی نبوده بلکه ریشه در تضاد قومی درونی و عدم سیاستگذاری مدبرانه داشته است (Said and Simmons, ۱۹۷۶: ۱۶).

۱-۲. سیاستگذاری قومی

مجموعه سیاست‌هایی است که از طریق آن می‌توان تعاملات و روابط میان اقوام و دولت و مجموعه حاکمیت از یک سو و روابط میان اقوام با یکدیگر و با بدنه جامعه ملی از سوی دیگر را تنظیم و تحت قاعده و نظم در آورد و متناسب و همسو با سایر سیاست‌های کلان موجود تغییر داد (چلبی، ۱۳۷۵: ۴۳).

۱-۳. الگو

الگو همان مدال‌های ارتباط میان مفاهیم و مقولات پروده در نظریه است. الگوها زمانی شکل می‌گیرند که ویژگی‌ها در امتداد ابعاد مختلف ردیف شده باشند (استروس و کوربین؛ ۱۳۹۰: ۱۴۰)

۱-۴. سیاستگذاری حقوقی

اشاره به مجموعه دستورالعمل‌های قانونی مصوب در خصوص سیاست خاصی دارد. (بلیک مور، ۱۳۸۵: ۶۷)

۲. الگوهای سیاستگذاری قومی

امروزه، در ادبیات سیاسی و اجتماعی از دو الگوی عمده سیاست‌گذاری قومی بحث به میان آمده است که عبارتند از:

۲-۱. الگو همانندسازی

سایمونز همانندسازی را روند انطباق یا سازگاری که در میان اعضای متعلق به رویکردهای مختلف روی می دهد و موجب همگونی و یا هم جنسی گروهی می شود، تعریف نموده است (صدارت: ۵۱، ۱۳۸۴). در الگوی همانندسازی دو گروه وجود دارد که عبارتند از: گروه اول نامزدان همانندسازی یا تازه واردان و گروه دوم جامعه پذیران. گروه نخست باید وسایل جدید را به دست آورند و چگونگی به کارگیری مکانیزم‌های جدید را فرا گیرند. در این فرآیند نظام ارزشی تازه واردان تغییر می کند. به همین دلیل سیاست همانندسازی را فرآیند تغییر اجتماعی و فرهنگی نیز نامیده‌اند. فرهنگ پذیری تازه واردان به آنان امکان می دهد که نقش‌های تازه خود را بیابند و قواعد، سنت‌ها و رسوم جامعه وسیع تر را بپذیرند. در این الگو، همانندسازی ایده آل یا غایتی منسجم ساز تلقی می شود که سیاست‌های دولت و ایدئولوژی‌ها براساس آن شکل گرفته و ترکیبی زیست شناختی، فرهنگی، اجتماعی و روانی از گروه‌های قومی متمایز و منفرد به منظور ایجاد یک جامعه بدون تفاوت قومی به وجود می آید. در این صورت، اختلافات فرهنگی ساختاری کاهش می یابد و حاصل آن جامعه ای متجانس و همگن خواهد بود که در بین گروه‌ها از جنبه‌های قومی، فرهنگی و نژادی تفاوتی نخواهد بود. آنتویی گیدنز مدل همانندسازی را به عنوان یکی از مدل‌های محقق کننده تحول «روابط نوین در جامعه آمریکا بیان نموده است. مطابق مدل همانندگردی مهاجران یا اقلیت‌ها عادات و رسوم اولیه خود را رها نکرده و رفتارهایشان را در قالب ارزش‌ها و هنجارها شکل می دهند. نسل‌های مهاجران با فشارهایی در جهت همانند شدن به این شیوه روبه رو شده و فرزندانشان به طور کلی آمریکایی شده‌اند. وی مدل دیگری به نام مدل درهم آمیزی برای سیاست‌های قومی ارائه کرده است. مطابق این مدل سنت‌های فرهنگی مهاجران و اقلیت‌های قومی همه با هم در هم آمیخته و الگوی فرهنگی جدید و تکامل یافته ای را تشکیل می دهند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۹۰).

یکی از روش‌های اعمال سیاست همانندسازی، جداسازی است. جداسازی هنگامی رخ می دهد که گروه مسلط، گروه‌های نژادی، دینی و قومی دیگر را به زیستن در مناطق مسکونی جدا از محل سکونت گروه مسلط وا می دارد. این گروه‌ها همچنین از برخورداری از وسایل و تسهیلات و خدمات خاص گروه مسلط مانند: مدرسه، بیمارستان و... محروم می گردند. در بسیاری از موارد، کیفیت خانه‌ها و تسهیلاتی که به گروه اقلیت اختصاص می یابد نازل تر از آن‌هایی است که گروه مسلط بهره برداری می

کند (توسلی، ۱۳۷۸: ۳۵۲).

۲-۲. الگوی تکثر گرایی قومی

مارتین مارجر تکثرگرایی را نقطه مقابل همانندسازی می داند که مفروض اصلی آن حفظ و یا حتی تشدید تفاوت های موجود میان گروه های قومی است و لذا سیاست هایی که بر این مبنا طراحی می شوند، تنوع گروهی و حفظ مرزهای جداکننده گروه های قومی را تشدید و ترغیب می کنند (ترابی، ۱۳۸۶: ۷). در تدوین این سیاست ها، به جای حقوق شخصی، حقوق جمعی و گروهی افراد مبنا قرار می گیرد. در تکثرگرایی قومی در عین حال که بر تنوع و تفاوت های گروهی (قومی) تأکید می شود بر وجود یک ساختار مشترک سیاسی اقتصادی که گروه های مختلف قومی را به یکدیگر پیوند دهد نیز توجه می شود. در واقع، بدون وجود یک ساختار سازمانی مشترک جامعه چند قومی شکل نمی گیرد. یعنی با وجود تمایزات فرهنگی اقوام، یک اشتراک سازمانی در بین آن ها تدارک دیده می شود. از این جهت، تکثرگرایی دارای دو بعد فرهنگی و ساختاری است. در بعد فرهنگی، تأکید اصلی بر حفظ و صیانت از تفاوت های فرهنگی اقوام می شود و در بعد ساختاری بر مبنای تفاوت های فرهنگی اقوام سازمان های مستقلی از قبیل: مدارس، ادارات و ... در چارچوب هر قومی مدنظر قرار می گیرد. (چلبی، ۱۳۷۵: ۵) در کنار این دو بعد می توان بعد سیاست های ترجیحی قومی را افزود که طی آن دولت در راستای کثرت گرایی حمایتی و اعمال سیاست ها و برنامه ریزی هایی برای ارتقای وضعیت آموزشی اقلیت های قومی که قبیله قربانی تبعیض بوده اند اقداماتی را انجام می دهد. ترویج مساوات با هدف فرهنگی به نهادهای عمده فراملی و توزیع مناسب تر قدرت از جهت گیری های عمده این سیاست است. مالزی، سر یلانکا، هند و نیجریه این نوع سیاست را اعمال می کنند. در جوامع چند قومی امروزی تکثرگرایی به دو صورت به چشم می خورد که هر کدام توسط سیاست ها و ایدئولوژی های کاملاً متفاوت حمایت می شوند:

الف. تکثرگرایی مساوات طلبانه

در این نوع تکثرگرایی در آن گروه های قومی مختلف، استقلال فرهنگی و ساختاری خود را حفظ کرده و تفاوت آن ها نیز توسط دولت صیانت شده و ضوابط و تدابیر سازمانی معینی نیز جهت توزیع متناسب پاداش های اجتماعی بر اساس قومیت (مساوات قومی) تدارک دیده می شود. به عبارت دیگر، در یک جامعه چند قومی که بر اساس تکثرگرایی مساوات طلبانه هدایت می شود، با وجود تفاوت های فرهنگی و ساختاری اقوام، اصل

راهنما برابری قومی است. در عین حال که تفاوت‌های قومی از طریق مشارکت گروه‌های مختلف قومی در یک سیستم سیاسی و اقتصادی واحد کاهش می‌یابد. با این حال، منتقدین این سیاست معتقدند که بین اصول تکثرگرایی فرهنگی به لحاظ نظری و عمل به آن فاصله زیادی وجود دارد و در کشورهایی که مدعی چنین سیاستی هستند، تأکید عمده بر حفظ نمادهای سطحی و ظاهری در روابط قومی است و وجه مهم این سیاست که دسترسی یکسان اقوام به فرصت‌های سیاسی و اقتصادی است، در عمل مورد اعتنا قرار نمی‌گیرند. علاوه بر اینکه منتقدین، سیاست تکثرگرایی فرهنگی را عامل تفرقه برای کل جامعه و سبب تداوم اختلافات قومی می‌دانند. (چلبی: ۱۳۷۵؛ ۶).

ب. سیاست تکثرگرایی نابرابر

بر اساس این ایدئولوژی که مبنای فلسفی تکثرگرایی نابرابر را تشکیل می‌دهد، میان گروه‌های قومی و نژادی تفاوتی ذاتی وجود دارد و لذا گروه‌هایی که بر اساس این ایدئولوژی برتر شمرده می‌شوند بر دیگر گروه‌ها حق تسلط پیدا می‌کنند. در واقع، نابرابری و عدم تساوی در بین گروه‌های قومی به رسمیت شناخته می‌شود و از این جهت سیاست تکثرگرایی نابرابر، سبب تقویت نابرابری در توزیع قدرت و مزایای اجتماعی در بین اقوام و تفکیک و تمایز آن‌ها از جهت ساختاری می‌شود هرچند که سیستم‌های تکثرگرایی نابرابر امروزه به صورت افراطی وجود ندارد و باز میان رفتن نظام آپارتاید در افریقای جنوبی، اهمیت خود را نیز از دست داده است. (گزیده، ۱۳۵۷: ۳۷)

در جامعه‌ای با شرایط و ویژگی‌های جمهوری اسلامی ایران و با ملحوظ نظر قراردادن پیشینه تاریخی همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام مختلف در آن، سیاست‌های اجتماعی باید در راستای انسجام و همبستگی ملی حرکت کند. طراحی و تدوین سیاست‌های تنوعات اجتماعی تا حدود زیادی با متغیر ساختار دولت ارتباط دارد. در این رابطه، مینک و کوهن (۱۹۶۶) دو تلقی از ملت، از دیدگاه ناسیونالیسم دولتی ارائه می‌کنند که انتخاب هر کدام، توسط دولت‌ها به سیاست‌های قومی ویژه‌ای می‌انجامد. این دو برداشت عبارت است از: «ملت سیاسی»^۳ و «ملت فرهنگی»^۴. در ملت سیاسی، ملت، اجتماعی از شهروندان برابر - بدون مدنظر قرار دادن زمینه‌های قومی، مذهبی و زبانی - تلقی می‌شود که با اختیار و علاقه‌گرد هم آمده‌اند. این برداشت با برخی سیاست‌های قومی مانند سیاست وحدت در کثرت، کثرت‌گرایی قومی و ادغام اجتماعی^۵ همسویی دارد. در رویکرد ملت فرهنگی، ملت اجتماعی از افراد مختلف با زبان، روش زندگی، تاریخ و سرزمین ویژه است و دولت پیونددهنده تنوعات اجتماعی است. به همین دلیل، ویژگی‌های اجتماعی

ملی معمولاً توسط دولت تعریف می شود. در این رویکرد، افرادی که از ویژگی های منطبق تری با تعریف دولت مزبور برخوردار باشند، از حقوق شهروندی بالاتری بهره مند می شوند. این تلقی از ملت، با سیاست های همانندسازی قومی انطباق بیشتری دارد. اما به نظر می رسد از آموزه های دینی و سخنان رهبری می توان برداشت سومی با عنوان ملت سیاسی - فرهنگی را بر دو برداشت فوق افزود که در نهایت به نوعی سیاست تکثر گرایی در وحدت دینی می انجامد.

۳. روش شناسی تحقیق:

۳-۱. تحلیل مضمون

در این پژوهش از استراتژی تحلیل تماتیک ۶ (مضمون) استفاده شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده های کیفی است. منظور از الگو مدلی است که از طریق نظم مفهومی داده های مستخرج بدست می آید. این روش، فرایندی برای تحلیل داده های متنی است و داده های پراکنده و متنوع را به داده هایی غنی و تفصیلی تبدیل می کند (Braun & Clarke, 2006). تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست بلکه فرایندی است که می تواند در اکثر روش های کیفی به کار رود. به طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای:

الف- دیدن متن؛

ب- برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط؛

ج- تحلیل اطلاعات کیفی؛

د- مشاهده نظام مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ؛

ه- تبدیل داده های کیفی به داده های کمی (Boyatzis, 1998, p. 4).

۳-۲. جامعه آماری (حوزه/ میدان تحقیق) و روش نمونه گیری:

بدلیل اینکه پژوهش، پژوهش بنیادی خواهد بود لذا جامعه آماری برای آن همچون پژوهش های کمی متصور نیست و روش نمونه گیری نیز نظری و یا تئوریک خواهد بود. بدین معنا که منابعی انتخاب خواهند شد که بیشترین اطلاعات و داده برای پاسخ به سؤال تحقیق فراهم می کنند.

۳-۳. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

کینگ و هاروکز ۷ در سال ۲۰۱۰ با بررسی و جمع‌بندی تلاش‌های دیگر پژوهشگران تحلیل مضمونی، فرایندی سه مرحله‌ای را برای تحلیل مضمونی ارائه داده‌اند این فرایند شامل سه مرحله‌ی کدگذاری توصیفی ۸، کدگذاری تفسیری ۹ و یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر ۱۰ می‌باشد که در ادامه تشریح می‌گردد (یاوری، ۱۳۹۱):

مرحله اول: کدگذاری توصیفی

غرق شدن در داده‌ها، مستلزم مطالعه و مرور مکرر داده‌ها به روشی فعال است. در این مرحله حداقل یکبار قبل از شروع کدگذاری، کل داده‌ها مطالعه شده است؛ در این حالت، به هنگام مطالعه متن، برخی از ایده‌ها و الگوها شناخته شد. این گام، ستون فقرات مراحل بعدی را شکل می‌دهد. در این گام است که ایده‌های خوبی درباره کدگذاری‌ها و الگوها شکل می‌گیرد. پس از این کار، پژوهشگر، آماده است فرایند کدگذاری را آغاز کند. لکن، کدگذاری در کل فرایند تحلیل صورت می‌گیرد و تعریف می‌شود.

مرحله دوم: کدگذاری تفسیری

گام دوم، زمانی آغاز می‌شود که پژوهشگر، داده‌ها را مطالعه کرده و با آن‌ها آشنا شده باشد. همچنین، فهرستی اولیه از ایده‌های موجود در داده‌ها و نکات جالب آن‌ها، تهیه کرده باشد؛ لذا این گام، مستلزم ایجاد کدهای اولیه از داده‌هاست. در این گام، از کدها برای تقسیم داده‌های متنی به قسمت‌های فهمیدنی و استفاده پذیر مانند بند، عبارت، کلمه یا سایر معیارهایی که برای تحلیل خاص لازم است استفاده می‌شود. کدهای موجود در چارچوب کدگذاری، باید حد و مرز کاملاً مشخص و تعریف شده‌ای داشته باشد به گونه‌ای که تغییرپذیر و یا تکراری نباشد. همچنین، کدها باید محدود به قلمروی تحقیق باشد و به طور روشن بر موضوع، تمرکز داشته باشد تا از کدگذاری هر جمله از متن اصلی، اجتناب شود. این گام به لحاظ تفسیری حائز اهمیت است.

مرحله سوم: یکپارچه‌سازی

گام سوم یکپارچه‌سازی، وقتی شروع می‌شود که همه داده‌ها، کدگذاری اولیه و گردآوری شده باشد و فهرستی طولانی از کدهای مختلف در مجموعه داده‌ها، شناخته شده باشد. در این گام که به تحلیل در سطحی کلان تر از کدها تمرکز دارد کدهای مختلف در قالب مضامین مرتب می‌شود و همه داده‌های کدگذاشته مرتبط با هر یک از مضامین، شناخته و گردآوری می‌شود. اساساً در این مرحله، کدها تجزیه و تحلیل می‌شود و به نحوه

ترکیب و تلفیق کدهای مختلف جهت تشکیل مضمون پایه، توجه می شود. در این مرحله می توان از شکل، نمودار، جدول، نقشه های ذهنی و یا نوشتن نام هر کد همراه با توضیح خلاصه ای از آن بر روی کاغذی جداگانه و قرار دادن آن در ستون مضمون مرتبط، برای مرتب کردن کدهای مختلف در قالب مضامین بهره گرفت. در این مرحله ممکن است مجموعه ای از کدها به هیچ مضمونی اختصاص پیدا نکند و یا ممکن است از برخی کدها صرف نظر شود. برای چنین کدهایی می توان به طور موقت استفاده کرد تا در صورت بررسی مجدد جایگاه مناسب آن ها در قالب مضامین تعیین شود. کدگذاری را می توان، دستی یا با نرم افزارهای رایانه ای انجام داد. همچنین، می توان با نوشتن یادداشت بر روی متن یا حواشی آن و یا با استفاده از مدادهای رنگی و ماژیک، داده های مورد نظر را برجسته کرد. همچنین، می توان از یادداشت های فهرست بندی شده و فیش های تحقیقاتی استفاده کرد که در این تحقیق نیز از این فرایند استفاده می شود.

۳-۴. روش اعتبارسنجی

پژوهشگران مختلفی که از تحقیق کیفی در تحقیقات خود استفاده کرده اند، بر این باورند که با توجه به ویژگی های روش تحقیق کیفی، باید از واژه «اعتبار» به «جای قابلیت اتکا» در این نوع تحقیق ها استفاده نمود. به نظر آن ها اگر یک تحقیق کیفی واجد چنین ویژگی هایی باشد، از صحت و درستی برخوردار است. (عبداللهیان ۲۰، ۱۳۷۹) به نقل از بی بی در این مورد تأکید می کند که در تحقیقات کیفی بهتر است از اعتبار و روایی که به دقت شاخص های اندازه گیری برمی گردد، به جای قابلیت اتکا که به معنی تکرارپذیری در آزمون مجدد است و بیشتر در تحقیقات کمی کاربرد دارد، استفاده کرد.

روش اعتبارسنجی این پژوهش "روایی تفسیری" بوده است و با ارائه و بازخورد نتایج پژوهش به صاحب نظران تأیید نهایی آن اعمال گردید. برای سنجش روایی تحقیق حاضر علاوه بر اینکه مضمون های فراگیر اصلی و فرعی از پیشینه و چارچوب مفهومی انتخاب گردیده نظریات و رهنمونهای گروهی از نخبگان نیز در این خصوص لحاظ گردیده است شایان ذکر است متن بیانات مقام معظم رهبری در این زمینه محدود بوده است لذا نیازی به استفاده از روش هولستی احساس نگردیده است.

۳-۵. سؤالات تحقیق

- الگوی سیاست گذاری قومی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب چیست؟
- چرایی سیاست گذاری از دیدگاه رهبر معظم انقلاب چیست؟
- چگونگی سیاست گذاری از دیدگاه رهبر معظم انقلاب چیست؟

۳-۶. روش تجزیه تحلیل داده‌ها

تحلیل مضمون، طیف گسترده‌ای از روش‌ها و فنون را در بر می‌گیرد. در فرایند تحلیل مضمون با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق می‌توان از روش‌های تحلیلی مناسب آن استفاده کرد. روش کاربردی مناسب در این تحلیل مضمون تحلیل قالب مضامین؛ شبکه مضمون‌ها؛ تحلیل مقایسه‌ای است. مجموع کل کدگذاری‌های سخنان رهبری ۴۵ درصد در رابطه چرایی و ۵۵ درصد نیز در رابطه با چگونگی سیاست قومی است و از مجموع کدگذاری‌ها شبکه مضامین الگوی مناسب سیاست گذاری یعنی تکثر گرایی استخراج گردیده است.

۴. چرایی کثرت گرایی قومی

از دیدگاه مقام معظم رهبری چرایی سیاست کثرت گرایی قومی بر پنج محور اصلی یعنی؛ پارادایم فکری، انسجام اجتماعی؛ اشتراکات قومی؛ سیاست بیگانگان و پتانسیل قومی متمرکز می‌باشد.

رهبر انقلاب دین را «عامل حقیقی وحدت» در جامعه‌ی ایرانی توصیف می‌کنند و دیگر عوامل وحدت مانند فرهنگ، سنت‌ها و حتی زبان فارسی را با وجود عامل دین معنادار می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «عده‌ای سعی می‌کنند اهمیت عامل پیوند مستحکم دل‌های ملت ایران، یعنی ایمان اسلامی را کم کنند؛ نه، کشور و ملت یکپارچه است؛ البته یکپارچگی‌اش به خاطر تاریخ و جغرافیا و سنت‌ها و فرهنگ است، اما عمدتاً به خاطر دین و مسأله‌ی رهبری است که اجزای این ملت را به هم وصل کرده و همه احساس یکپارچگی می‌کنند». (کردستان آذربایجان غربی ۱۳۶۸/۴/۱۳).

«نوبت دفاع مقدس هم که می‌رسد، جنگ هشت ساله‌ی ما، مردم همین گونه از همه جا شرکت می‌کنند؛ همه شهید می‌دهند؛ همه برای خدا وارد میدان می‌شوند و همه حول یک احساس و وظیفه‌ی مشترک، اقدام می‌کنند.» در واقع «در جنگ تحمیلی هشت ساله، از کسانی که می‌خواستند بروند از تمامیت ارضی و مرزهای اسلام در این کشور دفاع کنند، کسی نپرسید شما از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام مذهب، کدام لهجه و کدام زبان

هستید؟ همه رفتند؛ از همه جا رفتند. در ایران، خون‌ها درهم آمیخته شد و انقلاب به معنای حقیقی کلمه، یک اتحاد و یک الفت میان فرق و لهجه‌ها و طوایف مختلف به وجود آورد». (کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۵/۱۳/۰۵).

رهبر معظم انقلاب بر استفاده از روحیه‌ی قومی برای پیشرفت ملی تأکید می‌کنند: «هر قومی از اقوام ایرانی، چه کرد، چه فارس، چه تُرک، چه بلوچ، چه عرب، چه ترکمن، چه لُر، سعی کند با همان روحیه‌ی قومی در جهت پیشرفت ملی، نه صرفاً پیشرفت قومی، گام‌های بلندتری بردارد» (کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۰).

سیاست بیگانگان نیز که بر ناسیونالیسم قومی؛ بدبینی به دیگر اقوام؛ ایجاد تفرقه استوار است از طریق کثرت‌گرایی قومی خنثی پذیر است.

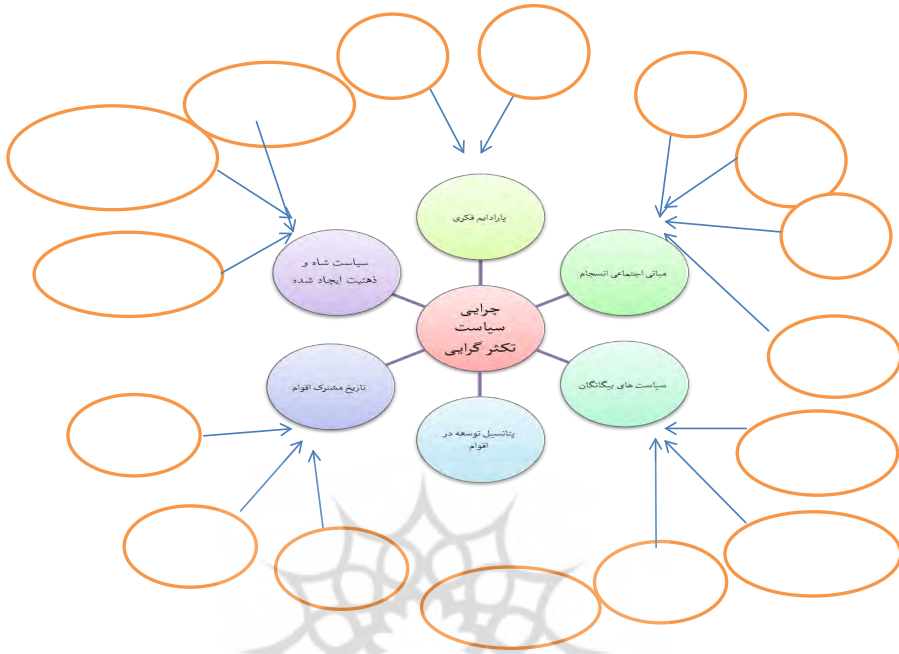
اساسی‌ترین سیاست دشمنان نظام اسلامی در قبال اقوام ایرانی، «نفی یکپارچگی ملی» و «ایجاد تفرقه میان اقوام» به بهانه‌های گوناگون است: «یک سیاست خباثت‌آلودی از آغاز انقلاب سعی کرد اقوام ایرانی را از یکدیگر جدا کند و با بهانه‌های مختلف، پیکره‌ی عظیم ملت ایران را تکه‌تکه کند. با هر قومی از اقوام متنوع ایرانی، فارس، تُرک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و لُر، جداگانه یک تلقین شیطانی را در میان می‌گذاشتند تا دل‌ها را از هم چرکین کنند. به تهرانی و اصفهانی چیزی می‌گفتند، به بلوچ بلوچستانی که من قبل از انقلاب مدتی را در میان آن‌ها گذراندم حرفی می‌زدند و در کردستان سخن دیگری می‌گفتند». (مراسم بزرگداشت بیست و چهارمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۲/۰۳/۱۴).

دشمنان برای رسیدن به این هدف خود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند. تبلیغات و جنگ روانی یکی از این ابزارها است و «دشمنان با تبلیغات خود، با جنگ روانی خود، با تلاش‌های موزیانه‌ی گوناگون خود سعی می‌کنند بین صفوف ملت ایران اختلاف بیندازند؛ به بهانه‌ی قومیت، به بهانه‌ی مذهب، به بهانه‌ی گرایش‌های صنفی، وحدت کلمه‌ی ملت را از بین ببرند.» و «دشمنان نظام جمهوری اسلامی، آن‌ها تبلیغ کردند که نظام جمهوری اسلامی، قوم‌گُرد یا مذهب‌اهل‌تسنن را نمی‌پسندد یا نمی‌پذیرد.» برجسته کردن ناسیونالیسم‌های مختلف به نحوی که «هر جا اقلیتی وجود داشت، به تقویت ناسیونالیسم افراطی قومی آن اقلیت می‌پرداختند». (کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۸۳/۰۲/۱۸).

لذا عدم توجه به پتانسیل قومی و پارادایم (دیدمان) فکری دینی و معنوی امکان تفکر کثرت‌گرایی وجود نخواهد داشت؛ کما اینکه در زمان شاه پهلوی به علت فقدان مبانی دینی زمینه‌های شبیه‌سازی قومی فراهم شده بود.

با نگاهی به عملکرد رژیم پهلوی در خصوص اقوام، شاهد یک نوع سیاست «بی تفاوتی»، «رهاشدگی» و «بیگانگی» نسبت به اقوام هستیم. این سیاست در عملکرد رژیم در توسعه‌ی مناطق قومی و توجه به سطح سواد مردم و مقوله‌ی امنیت کاملاً مشهود است. رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم کردستان به سیاست‌های رژیم پهلوی اشاره می‌کنند: «یک سیاست خبیثی از دوران طاغوت بر کشور حاکم بود و آن عبارت بود از بیگانه دانستن اقوام گوناگون. کُرد بیگانه بود. بلوچ بیگانه بود. تُرک بیگانه بود. عرب و ترکمن بیگانه بودند. این‌ها را بیگانه حساب می‌کردند. در عملکرد آن‌ها هم این معنا مشهود بود. شما ببینید در دوران طاغوت، در این استان نه کار عمرانی درستی انجام گرفته است، نه کار فرهنگی درستی انجام گرفته است؛ رسیدگی نمی‌کردند و کاری نداشتند. در این استان، کارهای عمرانی در دوران طاغوت در حد صفر بود؛ کارهای فرهنگی هم همین‌جور. [...] طاغوت نمی‌خواست مردم کرد، این مردم با استعداد و این مردم دارای هوش و ذکاوت، باسواد بشوند. فقط درصد استانی با این خصوصیات و با این کیفیت، باسواد بود! آن کار عمرانی‌شان، این هم کار فرهنگی‌شان! نگاهشان نسبت به این استان، نگاه شیطنت‌آمیز و غلط بود.» «این نگاه، نگاه رژیم طاغوت بود. طبیعت آن رژیم، یک نگاه تبعیض‌آمیز بود؛ نه فقط نسبت به قوم کُرد، به اقوام گوناگون کشور با انگیزه‌های گوناگون و با دلایل مختلف.» (سندج ۱۳۸۸/۰۲/۲۲).

وضع امنیت نیز در این مناطق مناسب نبود و «دستگاه کاری به کار امنیت منطقه نداشت.» مثلاً سیاست رژیم پهلوی در بلوچستان این بود که خوانین را به خودشان جذب کنند و از خوانین امنیت منطقه را بخواهند؛ مثل تیول‌دارهای زمان قدیم [...] کشتارها، ظلم‌ها، بی‌عدالتی‌ها، ناحق کردن حق‌ها، ضایع کردن ضعف‌ها و رشد دادن گردن‌کلفت‌ها، به دولت مرکزی ربطی نداشت!». (شهرکرد ۱۳۷۱/۰۷/۱۵).



نمودار شماره ۱: شبکه مضمون‌های مرتبط با بعد چرایی سیاست تکثر گرای

۵. چگونگی سیاست تکثر قومی

از دیدگاه مقام معظم رهبری چگونگی سیاست تکثر قومی بر اساس چهار محور اصلی یعنی؛ مشارکت سیاسی اقوام؛ تبعیض ستیزی؛ کاهش احساس محرومیت، پذیرش اصل تنوع قومی و رعایت حقوق اقوام صورت می‌گیرد.

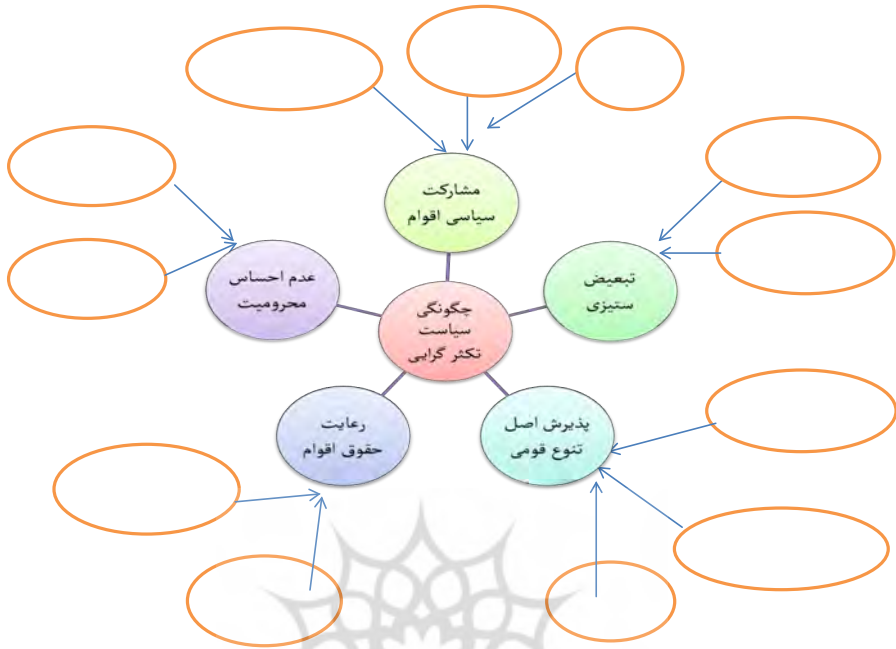
رهبر انقلاب درباره‌ی عدم تبعیض میان اقوام ایرانی می‌گویند: «نظام جمهوری اسلامی مطلقاً با نگاه تبعیض‌آمیز نگاه نمی‌کند؛ نه به کردستان و نه به هر نقطه‌ی ویژه‌ی دیگری در سرتاسر کشور...» [۱]. نگاه نظام جمهوری اسلامی به تنوع قومی و تنوع مذهبی مطلقاً نگاه تعصب‌آمیز، قوم‌گرا، یک‌جانبه‌نگر نیست. این را به طور قاطع من اعلام می‌کنم. نه امروز هست، که من از نیت خودم و دل خودم حرف می‌زنم، نه در طول زمان‌های گذشته در دهه‌ی ۶۰، زمان حیات مبارک امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه چنین چیزی نبوده». (کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۴).

وجود «انواع سلیقه‌ها و گرایش‌های سیاسی و اقوام ایرانی و پیروان ادیان و اهالی مناطق گوناگون کشور در مجلس» نشان از حضور و نقش‌آفرینی تمامی اقوام ایرانی در قانون‌گذاری دارد. نبود مرزبندی قومی و مذهبی برای حضور در بسیج نیز نشانه‌ی دیگری از نقش اقوام ایرانی در یک جمع ارزشی و انقلابی و نقش‌آفرینی آن‌ها در دفاع از نظام اسلامی است. به فرموده‌ی رهبر انقلاب: «بسیج، مرز صنفی و مرز جغرافیایی و قومی نمی‌شناسد. همه‌ی اقوام ایرانی، همه‌ی اصناف گوناگون ملی در سطوح مختلف فکری از انسان‌های نخبه‌ی برجسته‌ی ممتاز در میان اهل علم و دانشجویان تا جوان‌های فعال و پرشور صحنه‌های دیگر، همه در بسیج جمع‌اند. بسیج نماد حضور ملی و مقاومت ملی و آگاهی یک ملت است.» (کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۶).

«ما وقتی که می‌خواهیم یک ایرانی را به عنوان یک ایرانی به حقوق حقه‌ی خودش برسانیم، از او سؤال نمی‌کنیم که مذهب و یا حتی دین تو چیست. نه، مواطن ماست و از حقوق هم‌شهری‌گری با ما دارد استفاده می‌کند و در این مملکت زندگی می‌کند؛ چیزی باید بپردازد، کاری باید بکند و حقوقی هم دارد. حق امنیت، حق زندگی، حق کار، حق تلاش، حق تحصیل و فرهنگ دارد.» از سوی دیگر «امنیت، حق عمومی و متعلق به همه‌ی مردم در سرتاسر کشور است و اقوام مختلف، زبان‌های مختلف، عادات مختلف و ادیان مختلف از آن بهره می‌برند.» (کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۴).

«تنوع اقوام را ما برای کشورمان یک فرصت به حساب می‌آوریم، این یک حقیقت است. حقیقتاً برای ما تنوع اقوام یک فرصت است.» (کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۴).

در نظام اسلامی «اهانت به ارزش‌ها و مقدسات گروه‌های مختلف قومی و مذهبی» که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند، به عنوان «خط قرمز» معرفی شده است. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید: «دشمن امید بسته است که بتواند پیروان مذاهب گوناگون را مقابل هم قرار بدهد. هیچ‌کس نباید تسلیم این نقشه‌ی خائنانه و خباثت‌آمیز دشمن بشود. آن‌ها می‌خواهند شیعه در مقابل سنی، سنی در مقابل شیعه، دل‌ها از هم چرکین، نسبت به هم بدبین، آن‌ها این را می‌خواهند. برای همین است که من اعلام کردم، باز هم تأکید می‌کنم خط قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما عبارت است از اهانت به مقدسات یکدیگر» (سقز ۱۳۸۸/۰۲/۲۹).



نمودار شماره ۲: شبکه مضمون چگونگی سیاست گذاری قومی از دیدگاه مقام معظم رهبری

نتیجه گیری

علاوه بر سیاست‌های سه‌گانه‌ی در قسمت مبانی نظری، بر اساس تحلیل تماتیک سخنان مقام معظم رهبری و بر اساس آموزه‌های اسلامی و ادبیات قرآنی، نوعی ویژه از سیاست‌های تنوعات اجتماعی و قومی را می‌توان معرفی کرد که بر مبنای واقعیت‌های موجود استوار است. این سیاست را می‌توان سیاست تکثرگرایی وحدت طلب دینی تلقی کرد که در قالب الگوی زیر ارائه می‌شود. سیاست مزبور از آموزه‌های قرآنی و توحیدی و سخنان مقام معظم رهبری به مثابه یک رویکرد منطقی و حکیمانه استنباط شدنی است. قرآن کریم ضمن پذیرش تنوعات، تفاوت‌ها و وجود کثرت‌ها (اختلاف زبان‌ها، اختلاف رنگ‌ها و طوایف و قبایل مختلف) با رویکرد معنوی، اخلاقی و مبتنی بر فطرت الهی انسان‌ها، تلاش می‌کند در فرایندی نظام‌مند، همه انسان‌ها را فارغ از تفاوت‌ها و اختلافات در زیر چتری معنوی و الهی با تأکید بر حقوق انسانی و عدالت بنیادین و حقیقی برای یک زندگی مسالمت آمیز مبتنی بر صلح و آرامش گرد هم‌آورد.

مصادیق عینی چنین سیاستی را می توان در سیره‌ی سیاسی پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) به وضوح مشاهده کرد. چنین سیاستی را که برخاسته از رویکرد الهی- انسانی و به عبارت دقیق تر، رویکرد فطری و معنوی است، می توان سیاست تکثرگرایی وحدت طلب دینی نامید. چنین سیاستی در مقایسه با سیاست‌های دیگر دارای ضمانت‌های عمیق اخلاقی، معنوی و وجدانی فردی، اجتماعی است که به صورت اعتقادات باطنی و فرهنگ رفتاری در یک نظام سیاسی قابل بروز و ظهور است. برای تحقق چنین سیاستی و نهادینه سازی آن الزاماتی وجود دارد که در طی یک فرایند عقلانی و برنامه ریزی شده بای د به سمت آن‌ها حرکت کرد و در مقام عمل، دولت جمهوری اسلامی ایران با بهره گیری از این رویکرد و ظرفیت‌های موجود در قانون اساسی کشور - در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد - زمینه‌های مدیریت علمی تنوعات فرهنگی و اجتماعی فراهم شود. برخی از اقدامات پایه ای برای نیل به چنین مدیریتی عبارت است از:

یک. فرهنگ سازی از طریق تأکید بر مشترکات کلان و اساسی فرهنگی در میان اقوام مختلف؛

از نظر مقام معظم رهبری مهم‌ترین ویژگی‌های اقوام ایرانی را باید در مؤلفه‌های مشترک جست‌وجو نمود تا بتوان آن‌ها را در قالب یک هویت واحد به نام ملت پذیرفت. تاریخ، جغرافیا، سنت‌ها و فرهنگ مشترک میان اقوام ایرانی، از جمله محورهای اساسی وحدت‌آفرین میان این اقوام است. (کردستان آذربایجان غربی ۱۳۶۸/۰۴/۱۳).

تاریخ و دغدغه‌های سیاسی مشترک در کنار سرزمین و حکومت مشترک باعث می‌شود تا این اقوام در برابر هر حمله‌ای به کشورشان به دفاع از آن برخیزند. رهبر معظم انقلاب با اشاره به مقاومت جانانه‌ی اقوام گوناگون کشورمان در سال‌های دفاع مقدس می‌فرماید: «نوبت دفاع مقدس هم که می‌رسد، جنگ هشت ساله‌ی ما، مردم همین گونه از همه جا شرکت می‌کنند؛ همه شهید می‌دهند؛ همه برای خدا وارد میدان می‌شوند و همه حول یک احساس و وظیفه‌ی مشترک، اقدام می‌کنند.» در واقع «در جنگ تحمیلی هشت ساله، از کسانی که می‌خواستند بروند از تمامیت ارضی و مرزهای اسلام در این کشور دفاع کنند، کسی نپرسید شما از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام مذهب، کدام لهجه و کدام زبان هستید؟ همه رفتند؛ از همه جا رفتند. در ایران، خون‌ها درهم آمیخته شد و انقلاب به معنای حقیقی کلمه، یک اتحاد و یک الفت میان فرق و لهجه‌ها و طوایف مختلف به وجود آورد.» (کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۵/۰۵/۱۳).

از دیگر مصادیق وحدت اقوام ایرانی در دفاع از اعتقادات و نظام اسلامی خود، می‌توان به حضور در راهپیمایی‌های سراسری ۲۲ بهمن و «روز قدس و اظهار شعارهای واحد در این زمینه و حضور گسترده در انتخابات» اشاره کرد.

دو. برطرف کردن محرومیت‌ها و تبعیض‌های موجود؛

رهبر انقلاب درباره‌ی عدم تبعیض میان اقوام ایرانی می‌گویند: «نظام جمهوری اسلامی مطلقاً با نگاه تبعیض‌آمیز نگاه نمی‌کند؛ نه به کردستان و نه به هر نقطه‌ی ویژه‌ی دیگری در سرتاسر کشور...» [..]. نگاه نظام جمهوری اسلامی به تنوع قومی و تنوع مذهبی مطلقاً نگاه تعصب‌آمیز، قوم‌گرا، یک‌جانبه‌نگر نیست. این را به طور قاطع من اعلام می‌کنم. نه امروز هست، که من از نیت خودم و دل خودم حرف می‌زنم، نه در طول زمان‌های گذشته در دهه‌ی ۶۰، زمان حیات مبارک امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه چنین چیزی نبوده». (کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۴).

سه. ترویج فرهنگ گفتگو در میان نخبگان فکری و علمی و سیاسی و مشارکت آن‌ها در مسائل مهم کشوری؛

حاکم نبودن نگاه تبعیض‌آمیز به اقوام در نظام جمهوری اسلامی ایران موجب نقش‌آفرینی عموم مردم از اقوام مختلف و نخبگان در حوزه‌های گوناگون خواهد شد. وجود «انواع سلیقه‌ها و گرایش‌های سیاسی و اقوام ایرانی و پیروان ادیان و اهالی مناطق گوناگون کشور در مجلس» نشان از حضور و نقش‌آفرینی تمامی اقوام ایرانی در قانون‌گذاری دارد. نبود مرزبندی قومی و مذهبی برای حضور در بسیج نیز نشانه‌ی دیگری از نقش اقوام ایرانی در یک جمع ارزشی و انقلابی و نقش‌آفرینی آن‌ها در دفاع از نظام اسلامی است. به فرموده‌ی رهبر انقلاب: «بسیج، مرز صنفی و مرز جغرافیایی و قومی نمی‌شناسد. همه‌ی اقوام ایرانی، همه‌ی اصناف گوناگون ملی در سطوح مختلف فکری از انسان‌های نخبه‌ی برجسته‌ی ممتاز در میان اهل علم و دانشجویان تا جوان‌های فعال و پرشور صحنه‌های دیگر، همه در بسیج جمع‌اند. بسیج نماد حضور ملی و مقاومت ملی و آگاهی یک ملت است». (ستاد نیروی مقاومت بسیج/۱۳۸۴/۰۶).

رهبر معظم انقلاب بر استفاده از روحیه‌ی قومی برای پیشرفت ملی تأکید می‌کنند: «هر قومی از اقوام ایرانی، چه کرد، چه فارس، چه ترک، چه بلوچ، چه عرب، چه ترکمن، چه لر، سعی کند با همان روحیه‌ی قومی در جهت پیشرفت ملی، نه صرفاً پیشرفت قومی، گام‌های بلندتری بردارد». (کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۰).

چهار. کاستن از تمرکز گرایی؛ اعطای حقوق مسلم و تقویت شبکه‌های استانی در سطح ملی؛

در نظام اسلامی مقوله‌ی «قومیت» و «مذهب» هیچ‌گاه مانع شناسایی و اعطای حقوق مسلم اقوام ایرانی نخواهد بود، بلکه «نظام جمهوری اسلامی محور قضاوتش، اسلام و ایرانی بودن است؛ اسلام و ایرانیت. همه‌ی مسلمان‌ها و همه‌ی ایرانی‌ها در این نگاه، در محدوده‌ی جغرافیایی کشور دارای ارزش هستند.» بنابراین «ما وقتی که می‌خواهیم یک ایرانی را به عنوان یک ایرانی به حقوق حقه‌ی خودش برسانیم، از او سؤال نمی‌کنیم که مذهب و یا حتی دین تو چیست. نه، مواطن ماست و از حقوق همشهری‌گری با ما دارد استفاده می‌کند و در این مملکت زندگی می‌کند؛ چیزی باید پردازد، کاری باید بکند و حقوقی هم دارد. حق امنیت، حق زندگی، حق کار، حق تلاش، حق تحصیل و فرهنگ دارد.» از سوی دیگر «امنیت، حق عمومی و متعلق به همه‌ی مردم در سرتاسر کشور است و اقوام مختلف، زبان‌های مختلف، عادات مختلف و ادیان مختلف از آن بهره می‌برند.» (کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۴)

پنج. تنش زدایی فعال در روابط خارجی با کشورهای همسایه و جدا کردن حساب اقوام ایرانی از اشرار؛

از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران جدا دانستن حساب اقوام از اشرار و فریب‌خوردگان است. این سیاست در مقابله با تبلیغات دشمنان که در تلاش بودند تحریکات علیه جمهوری اسلامی ایران را در مناطق قومی به حساب اقوام بگذارند، بسیار کارآمد و مؤثر بود. بنابراین حضور برخی از اشرار در بعضی مناطق نه‌تنها جمهوری اسلامی ایران را نسبت به مردم منطقه بدبین نمی‌کند، بلکه نظام را بر آن می‌دارد که منطقه را از لوٹ وجود آن‌ها با همکاری مردم منطقه پاک نماید. رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم سقز به این تفکیک اقوام از اشرار تأکید می‌کند: «به عموم ملت ایران از اقوام گوناگون هم بگویم، مبدا به اشتباه بیفتند. مبدا رفتار گروه‌های اندک‌شمار که پنجه به چهره‌ی انقلاب و جمهوری اسلامی می‌زدند، به حساب این مردم عزیز، این جمعیت انبوه، این دل‌های وفادار نوشته بشود. تعداد معدودی انسان‌های شریر یا فریب‌خورده که در هر نقطه‌ای پیدا می‌شوند، در کردستان و در غیر کردستان، حساب این‌ها از حساب متن مردم عزیز این استان به کلی جداست» و خود مردم با این افراد برخورد می‌کنند. وجود گروه «پیشمرگان کرد مسلمان» یکی از مصادیقی است که ایشان در اثبات این مطلب بیان می‌کنند: «در همان دورانی که در این جا و جاهای دیگر، یک عده ایادی بیگانه به

نام مردم کرد حرف‌هایی می‌زدند که مردم کرد روحشان از آن حرف‌ها خبر نداشت، آن روزی که در این استان و استان‌های هم‌جوار، دست‌های شیطنت‌آمیز دشمنان به فکر فتنه و برادرکشی بودند، خود مردم این استان در صفوف مقدم قرار گرفتند؛ یاد مجموعه‌ی رشید و پرافتخار پیشمرگان کرد مسلمان هرگز از خاطره‌ی آن کسانی که مجاهدات آن‌ها را دیدند، نخواهد رفت». (سقز ۱۳۸۸/۰۲/۲۹).

شش. بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و فرصت دانستن تنوعات قومی و بهره‌گیری از توان مدیریت و اجرایی اقوام مختلف در کشور بر مبنای یک منطق عقلانی؛

اکثر کشورهای دنیا با مقوله تنوع اقوام مواجه هستند و «معمولاً در کشورهای مختلف تعدد اقوام و قومیت‌ها یکی از نگرانی‌های آن‌هاست؛ در کشور ما به عکس است». «تنوع اقوام را ما برای کشورمان یک فرصت به حساب می‌آوریم، این یک حقیقت است. حقیقتاً برای ما تنوع اقوام یک فرصت است». (کردستان آذربایجان غربی ۱۳۶۸/۰۴/۱۳).

زیرا «ایران یکپارچه است» و مانند «شوروی متشکل از سرزمین‌های به هم سنجاق شده نیست». «حتی آن قسمت‌هایی هم که در قرن‌های گذشته جدا شدند، اگر ته دلشان را بگردید، مایلند با ما باشند. (کردستان آذربایجان غربی ۱۳۶۸/۰۴/۱۳).

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش
آن‌ها هم دلشان می‌خواهد که به این مادر بپیوندند. این کجا، کشور اتحاد جماهیر شوروی کجا؟ ده، یازده کشور را با سنجاق یا به تعبیری با شلاق به هم بستند و به اصطلاح یک کشور تشکیل گردید! معلوم است که تا شلاق برداشته شد، از هم جدا می‌شوند و شدند». (مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۴/۱۹).

بر همین اساس رهبر انقلاب از یک سو در رهنمودی به نمایندگان دوره‌ی هفتم مجلس شورای اسلامی می‌فرماید: «همه‌ی تمایلات منطقه‌ای و قومی و بخشی باید در پرتو نگاه ملی برآورده شود.» و از سوی دیگر بر امکانات و ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی مردم این مناطق به عنوان یک سرمایه و ثروت ملی نظر افکنده می‌شود: «زبان کردی یک ثروت ملی است، استعداد‌های علمی و هنری جوانان این‌جا یک ثروت ملی است، استعداد ورزشی جوانان کردستان یک ثروت ملی است؛ از این ثروت‌های ملی باید استفاده بشود، بهره‌برداری بشود، به فعلیت برسد». (چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع آزادی ۱۳۹۱/۰۸/۲۴).

یادداشت‌ها

۱. مستخرج از پایان نامه دکتری دانشگاه اصفهان

2. ethnic policy
3. political nation
4. cultural nation
5. social inclusion
6. Thematic analysis
7. King and Horrocks
8. Descriptive Coding
9. Interpretive Coding
10. Overarching Themes

۹۵
دوفصلنامه مطالعات
قدرت نرم

سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک
کریم مهوی و همکاران



منابع

- استروس و کوربین (۱۳۹۰)، *مبانی پژوهش کیفی*. ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- برتون، رولان، (۱۳۸۰)، *قوم‌شناسی سیاسی*. ترجمه دکتر ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- بلیک مور، کن (۱۳۸۵)، *مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی*. ترجمه علی اصغر سعیدی و سعید صادقی جقه، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- چلبی و همکاران (۱۳۷۸)، *هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران*. طرح پژوهشی، وزارت کشور.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۰)، «مسئله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی*، شماره ۳.
- حق پناه (۱۳۸۰)، *سیاست‌گذاری قومی، جزوه کلاسی*.
- شارع پور (۱۳۸۳)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر فاصله اجتماعی گروه‌های قومی ساکن در محلات قومی شهر بندر ترکمن»، *پژوهش نامه علوم اجتماعی گرمسار*. سال پنجم، شماره ۴.
- فکوهی، (۱۳۸۰)، *قومیت و گفتگوی تمدن‌ها*. ترجمه فکوهی، تهران: نشر نی، ضمیمه.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، *جهانی شدن - هویت، فرهنگ*، تهران: نشر نی.
- ترابی، یوسف (۱۳۷۶)، «الگوهای سیاست‌گذاری»، *فصلنامه انقلاب اسلامی*.

منابع خارجی :

- Attride-Stirling, J. (2001), *Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research*, *Qualitative Research* 1, pp.385-405.

- King, N, & Horrocks, C. (2010). **Interviews in Qualitative Research**. London: Sage. (248 p.

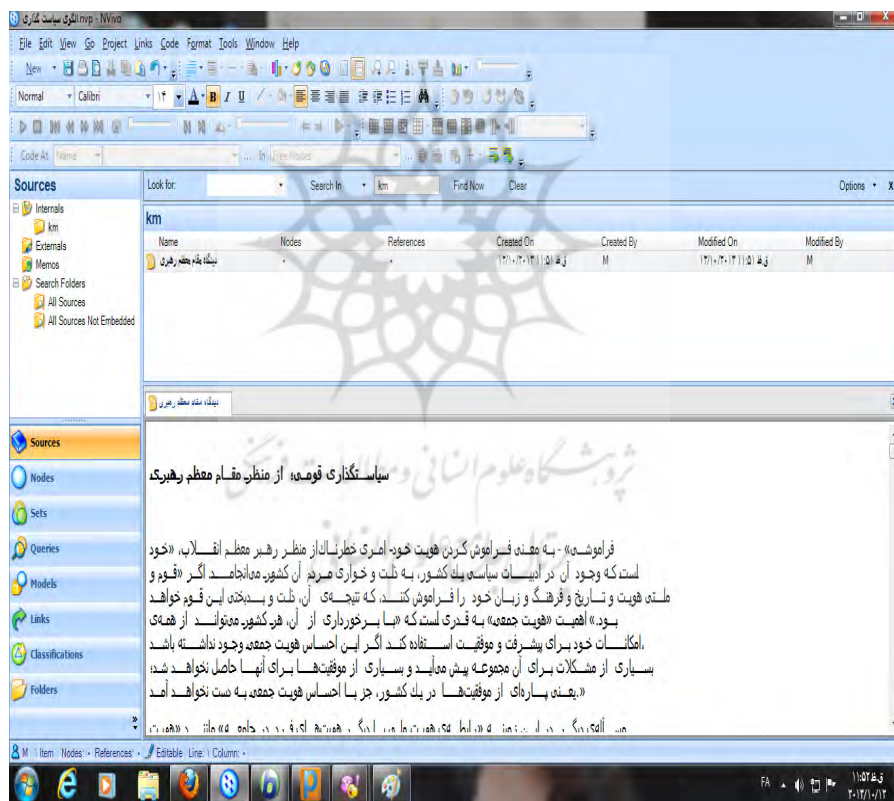
- Said and Simmons. (1976)**Ethnicity in an International context**.new Brunswick-:transaction press.

- Braun, Virginia; Victoria Clarke (2006). "**Using thematic analysis in psychology**". *Qualitative Research in Psychology* 3 (2): 83.

- **Boyatzis**, 1998, p. 4.

(یاوری، ۱۳۹۱):

جهت تحلیل تماتیک سخنان رهبر انقلاب NVIVO نرم افزار





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی